



# پیام کارگر

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

سال چهارم نیمه دوم آبان ۱۳۶۹

ارگان کمیته خارج از کشور

## اکتبر در قلب رنجبران جاودانه است!

موظف‌های این گروه مرتجع تاریخ از فراز اکتبر به زیر نمی‌آید بلکه به ارتفاع بلندتری میسپارده ارتقاعی کسه تجربیات خوب و بد اکتبر در پیشی نوگرا بدست انسان فردا سپرده میشود. جزاینکه بورژوازی و مشتکی کسپریل انکار کنند که فرهنگ راستین انسان امروز که از انقلاب بزرگ ۱۸ و ۱۹ آبیاری شد حقیقتا با انقلاب اکتبر بود که بلوغ یافت و توسط آن در گستره‌ای به پهنای گره ارض بسط داده شد. انقلاب اکتبر ناقوس بیداری انسان زمختش و لخت شده بر کره ارض بود. بالاتر از این، بقیه در صفحه ۲

نماهای قرار گرفت، در زمان ماست که دگرباره چپسان پوست می‌اندازد، و در این چرخش، بخشی از دنیای مسا که با انفجار اکتبر بر دامنه تاریخ زاده شد خود دگرگون میشود. بورژوازی و مرتجمین و روی برتافتگان از سرد م و انقلاب این دگرگونی‌ها را بازگشت تاریخ میدانند و همسه جا تظاهر به پیروزی میکنند. اما واقع امر چنین نیست. هر گاه فضای آکنده از آسمن و ایفون بورژوازی را کنسار بریزیم و لختی با تامل به محتوای خواستها و تلاشهای انسان امروز، انسان گرسنه، بیگانه، رنج کشیده و منکسر شده در چهار گوشه عالم نگاه کنیم، خواهیم دید برخلاف

با وجود باران تهمت و نفرتی که از هر سوی اکتبر باریدن گرفته است، برای آن کسانی که سوز سرما استثمار از پای می‌انگندشان، آفتاب اکتبر هنوز همیشه جان بخشی و دلگرم کننده است. براسنی هیچ رویداد بزرگی را در این قرن نمیتوان یافت که همیای انقلاب اکتبر چنین دیرپا و گسترده در معرض داوری و پیش داوریهای متضاد قرار گرفته باشد. با این حال، در زمان ماست که برای نخستین بار انقلاب اکتبر در فضایی بکلی متفاوت با دیگر در پیشگاه قضاوت عمومی می‌ایستد، چرا که پس از تولد اکتبر که جهان در سدا ر

### میخواهم از غرب برایتان بگویم از الکساندر زینویف

مطلبی که میخوانید ترجمه بخشهایی از مقاله "من میخواهم از غرب برایتان بگویم" نوشته زینویف در روزنامه "اخبار امروز" جاپ سونداست، الکساندر زینویف، فیلسوف و پرفسور دانشگاه مسکو، در سال ۱۹۷۸ به جرم "فعالیت‌های ضد سویت" از شوروی اخراج شد. وی هم‌اکنون در آلمان غربی بسر میرد.

### در این شماره:

- کنفرا نس بین المللی دربارہ آینده سوسیالیسم در صفحه ۸
- فراخوان جهت شرکت در تظاهرات ۸ دسامبر در صفحه ۶
- زلزله در داریاب زهر مرگان در صفحه ۲

### دانشجویان هوادار شورای عالی، تلاش در متن رویاهای گذشته

در تابستان گذشته، دانشجویان هوادار شورای عالی تلاش کردند تا از طریق برگزاری یک سمینار وسیع، بلوکی از نیروهای مترقی و دمکرات حول "فعالیت مشترک و ادامه‌دار پیرامون دفاع از مبارزات مردم ایران" افشای سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و مبارزه بویولیسیت‌ها و اقدامات ضد خارجی در آلمان "شکل یابد" رفقای هوادار شورای عالی در نامه خود به سازمانها اشاره داشتند که در گذشته ضغفا و کاستیهای داشته‌اند که بسا اعتقاد به "اتحاد عمل و همکاری با نیروها و عناصر" بقیه در صفحه ۵

### داد و ستد غرب با مساله حقوق بشر در ایران

در ۱۲ اکتبر ۱۹۹۶ با روسکرت اروپا اعلام کرد که نام جمهوری اسلامی را از لیست سیا هود پاک کرده است. این اقدام رفع سا کت دست مرزادی است در راستای تدابیر و مخونت با روسی می بخش حقوق بشر در ایران و عملکردها ندهای ضرور دولت اسلامی در خارج از کشور و خونهای ریخته شده فعالیسن بیورسیون در کوجه و خبا بان های بارسی و سنس و استکلیم... دولت ایران حق دارد که موضع جدید را در مشترک را در سوتق آزاره‌گری خود هر چه بلندتر بدمد، چون سیش از هر کسی دیگر ما هیت سر فریب ساست دول غربی را در سونه آرمایش چند ساله خود آرموده است و ارا بندرو بر او آزادانه سیه کاری ندارد و سودای غرب را در سارار روز میشتا سدو مطنه آترا به چون وجد میداند، بس حای شگفتی نیست، که در حربه نبشت سران بسا راز مشترک، یک نفر را در روز روشن دربار سس - دکتر الهی - به خاک و خون می نشاند، از ضرورت هائی که را هیرتتمیم سران است آکا می دارد، از مساله در لبنا ن، از سار بریدن سوما به های غربی سالیان، ارا و های موسسات مالی بیبنا لمللی، از احساس بقیه در صفحه ۲

با زار مشترک اروپا  
و پناهندگان  
در صفحه ۳

فراخوان زنان،  
علیه سواستفاده جنسی از کودکان  
در صفحه ۶

## دادوستد غرب با مساله حقوق بشر در ایران

## زلزله در

## داراب و هومزگان

## ادا ما ز صفحه ۱

رفتای آمریکا از موضعگیریهایش در حوض خلیج و... به خوبی وثوق دارد. بیس چه جای نگرانی است رژیم اسلامی گریه نمینماید که خود را مه ندهد، خطا کرده است و جان دولت های غربی، چون همیشه تابع "حقوق سرمایه" است. حقوق انسان چه معنا دارد؟ گرایین انسان را بشناور دنیا هم برساند، راستی این حقوق چه معنا شده اند؟

•••

از سوی دیگر ما زمان مغربین الملل بسا انتشار رسیده اند و تاریخ ۷ نوامبر ۱۹۹۰ سال دیگر سیمای ددمتن جمهوری اسلامی را در معرض داری عموم قرار میدهند. در این گزارش آمده است که هیچ بیوهی در وضعیت حقوق بشر در ایران رخ نداد و با ما طور سرفراست و داغ زدنش و سرکارها ن تیر. کسرم که سرای حکومت جمهوری اسلامی، سازی ما را نه هیچ سندشانی هدی نیست به همین روزها ما های دولتی اگر کلاه ها کند و سوبه ندرت شمار های را میتوان بسپار کرد که در آنا حکام ا عدا م رکنما روز فطرت و با درج شده با شند. لیکن گزارش را نیز تاریخ را برش با رسان عزمین الملل میخواند، چنان جوس سندی تکان دهنده سرای انشای سیاست های جمهوری اسلامی برای فعالین سیاسی در خارج کشور منید با شد. تا با تکیه بر آن، ستوا نده درجه بیشتر جمهوری رژیم اسلامی را در افکار عمومی مردم غرب برساند.

•••

سریسترا این ضرورت هاست، که سنکل دمکار- تک در آلمان فدرال، سناست قرا وسیدن رور ۱۰ دسامبر، روز جهانی حق حقوق بشر، همه براسا ن مردم آرا بدخواه را برای شرکت در نظر هسرات اعتراضی در سراسر سرفراست حکومت ترور در س دعوت کرده اند. اقدام این تشکلها، اقدامی ارزنده و قابل ستایش است و با بدمورد پشتیبانی همه جا سه قرا رگبیرد، قرا ترار را، س، همه فعالین سار ما و همه نیروهای مبارز سوسا هنده در خارج ار کشور، در هر نقطه ای از جهان که باشد، با سبند این روز را به درودا دعواست عمومی علیه رژیم جنایتکار و اسلامی تبدیل کنند. با هر شیوه ممکن، با بیاد افکار عمومی غرب را نسبت به اوضاع یکدیگر ایران وجود دارد حاسا ن کرد، سوبزه ما بسند دوست دولتها ی غربی را با جمهوری اسلامی آشنا کرد. سوبزه ما بسبب سناست ترور دولت جمهوری اسلامی در خارج رگبیرا برای شهروندان ن کشور های میران توضیح داد و ترسیر کرد. با سببگفت اس ترور ها با همکاری و سکوت همدلان دولتها ی شان است که سه صورت میگردد. با سببگفت این ترور ها سراسر ایران و از طرف دولت جمهوری اسلامی هدا بست میشود. و با بسبب رچیر های دیگر گفت. از موقعیتی که در انشای جمهوری اسلامی دارم سخری سیره کسرم در س خود را نسبت مردم مینماید خودا داد کسرم.

در تاریخ ۱۵ آبان در زلزله ای با شدت ۶٫۶ ریشتر شهر داراب و گنجه و وسی از جنوب اسران را زلزلگان داده سنا سرگرا ریش رسمی مقامات دولتی، در سراسر اورد و لینه ۲۳ نفر جان خود را از دست دادند. این زلزله باعث مالی فراوانی سیدر و ستاهای اطراف بسا ر آورد میران خسارت رازده به ساخمانها را سبب ۳۰۰۰۰ نفر در سراسر ایسی کرده اند. همه سا زلزله دیگری در استان هر مرکا ن سیر سندر عباس و حیره فشم را به لرزه در آورده در این حادثه مدها و حد سگونی سطر کما مل و مد در مد تخریب سده است.

ماضن اسرار همدردی با خا نوا ده های که عزیزان خود را از دست داده و با در وضعیت نامسانی از سطر مسکن و بهداشت قرار دارند، ضرورت کمک رسانی به هم میمانان مصیبت دیده خود را با دیگران سکارا مسکنیم. روشن است که در سراسر ارواح دنیس از این سست، رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران، قادره ا امداد رسانی مناسب نیست. همین جنسی پیش در سطر سنجاشی و موسوی به مناطق زلزله زده گیلان و رجان، معلوم شد که وعده های اولیه رژیم برای کمک به مردم، طبل تو خالی بوده است. مثلا حضور مدارس لوشان را زنگشانی شده اند و با اسبکه گفته اند ما رسا ما سخنا نهی تخریب شده، سمال سدر از اخوا حد کشیده.

سرتسق گفته کامل خیر خواه نماینده لاهیجان در مجلس شورای اسلامی، سهور سبببوری از مردم آسیب دیده در زلزله گیلان، همان مقدار بول نا حیرت را - ۲۰ هزار تومان - که قرا رسوبده آنها پیدا خت شود، دریا فت نکرده اند. در حالیکه سنا سرگرا ریش های موشق، سبببوری ارکا لاهاشنی که از خارج کنسور برای کمک به زلزله زگان اسرا ل شده بود، در سراسر ا سیه خرد و فروش میشود.

## پیام‌کارگر

همکاری کنید

و برای آن بنویسید!

## اکتبر در قلب رنجبران جاودانه است!

## ادا ما ز صفحه ۱

اکتبر به مفهوم آن بود که دیگر هنگام آن فرارسیده است، هیچ بودگان تاریخ بر سرنوشت خود حاکم شوند و ما نهیای شریف خود را زمین زخمی، خاها بگمراهی و شکستهای فاجعه بار با وجود سرفراست مملکتان نمیتوانند به اجسای دوباره این خرافه بورژوازی منجر گردند که نظام سرمایه داری و استثمار انسان از انسان نظامی طبیعیس و جاودانه است - فرهنگ مادی و معنوی انسان عمر مسا از آن مرحله در گذشته است که سوظن خود را به استثمار سرمایه داری از دست بدهد، و این فرهنگ بزرگترین دستاوردی است که از اکتبر به میراث رسیده است - این دستاورد با هر خدمه و نیرنگی که بورژوازی بکار بنهند و هر چه زیر کانه تر شکست "سوسیالیسم موجود" را به عنوان شکست "انقلابی برابری انسانها" نامود سازد، بازگشت ناپذیر است، هر قدر بورژوازی بکوشد رخسار بسا

طراوت و پیرنشاط اکتبر را با خرافات و هم انگیز خود بیالاید، حقیقت اکتبر روشنتر از هر زمان دیگری رخ خواهد نمود - چرا که اکتبر حادثه ای در گذشته ها و دور سنا نیست - اکتبر زنده است و از پس هر اعتراض و عصیان و انقلابی که در چهار گوشه عالم زبانه کشد، سر بسپارند میکند. آسانی که امروز سراسر انان از انقلاب اکتبر روی برمی تابد، بیشتر از همین انقلابات جاری است که رویگردان میشوند، در واقع قضاوت تسل ما در باره انقلاب اکتبر، همانند همه داوریهای که پیشتر، فراوی نسلهای گذشته بوده است قضاوتی است درباره مشروعیت سرمایه یا انقلاب.

وسلام ما به اکتبر سلامی است به انقلاب اسلامی است به توده های کار و زحمت که تسلیم ناپذیرشان به استثمار، آزموون روزانه شان است - آنان از اکتبر می آموزند و پر زخوت و لختی محیط بورژوازی تن نمیسپارند، درود بر آنهاست و درود بر اکتبر کبیر!

## بازار مشترک اروپا و پناهندگان

گیل لوئشر (۱)  
مترجم: کاوه

اروپای غربی، امروزه کم‌بهنظر می‌رسد. حدود ۱۲ تا ۱۵ میلیون پناهنده اروپایی در اثر جنگ جهانی دوم پدید آمده‌اند. با درگیر شدن مرزی میلیونها نفر سرتا پا اضافه می‌شوند. با زرتوسن نمونه آن در قریب ۱۲ میلیون آلمانی نسلزاد رانده شده بسوی غرب در خارج از کشورهای اروپای شرقی و مرکزی است، که هم‌محدوب‌رویی غربی بعد از جنگ شده بودند و هم اینکه دوباره در ماوراء دریاها اسکان یافته بودند. هم‌سهمه متقاضیان پناهنده‌گی در اروپا از ۱۹۴۵ به بعد چیزی کمتر از نصف درصدهم جمعیت بوم‌سی است. علیرغم همه شدت‌ها، سبیل متقاضیان پناهنده‌گی، تقریباً در همه کشورهای اروپایی غربی، کمتر از دوازدهم پناهندگان جهان است. امروز هستند.

در بریتانیا از ۱۹۴۸ تا به حال چیزی قریب ۲ درصد جمعیت انگلیسی است. به‌مروت شمار متقاضیان پناهنده‌گی موجود در اروپای غربی در مقابل پناه‌ده‌های اخیر گسترش وسیعی یافته، بطوریکه افزایش یافت از حدود متوسط ۳۵۰۰۰ در ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۰ تا حدود ۱۹۵۰۰۰ در سال ۱۹۸۲ به‌بعد تقریباً یک میلیون نفر پناهنده‌گی در اروپای غربی وارد شده‌اند. (۴) اکثر متقاضیان پناهنده‌گی دردهها اخیراً ز کشور های شیدای فقرده نبوده، بلکه از کشورهای است که متحمل آثار آمیهای شدید درونی و جنگ داخلی و یا اختناق شدید بوده‌اند.

افزایش سریع پناهندگان برای حکومتها و مجامع اروپا به‌صدا درمی آورد و آنچه مربوط به سیاست‌گذاران اروپا می‌باشد بیشتر متوجه آن نوع از متقاضیان پناهنده‌گی است که بی‌نظم و قاعده‌زمرها نشان وارد می‌شوند و بسیاری از پناهندگان "جدید" از کشورهای جهان سوم هستند. در صورتیکه میتوان گفت در گذشته وارد شدنشان از کشورهای در دست‌بمراستب در سطح خیلی کمتری بودند. تا سالهای اخیراً اکثر پناهندگان از نظرای درجهان سوم، منطقه‌ای بوده و به کشورهای همسایه پرواز می‌کردند.

دولتهای اروپایی به‌سازمان ملل (UN) و کشورهای پناهنده پذیرمربوطه کمکیهای اقتصادی و سیاسی کرده‌اند. اما محلهای با‌هم بیشتر برای افزایش تعداد دوسبع پناهندگان در نظر گرفته‌اند.

دراوا خرمالهای ۱۹۷۰، دربرابر مهاجرت عظیم از هندوچین و ژاپنی و دیگر کشورهای امریکای لاتین، دولتهای اروپایی

این مطلب ابتدا بطور خلاصه، با اکثر دوره‌های دفاع از حقوق پناهنده‌گی در اروپا، از پایان جنگ جهانی دوم تا به حال را، تجزیه و تحلیل خواهد کرد. سپس به بررسی سالهای ۱۹۸۰ یعنی سال ورود وسیع متقاضیان پناهنده‌گی به اروپای غربی که سیاست‌گذاران را با مشکلات کمی و کیفی جدیدی مواجه نمودند خواهد پرداخت. و مشخص خواهد کرد که چه چیز جدیدی در رابطه با این پدیده وجود دارد. آنگاه به بررسی عوامل پناهنده‌گی خواهد پرداخت و اینکه چرا دولتهای اروپایی برای محدود کردن ورود تازه واردین به‌مانع تراشی و به‌شیدای متوسل شده اند و در این‌جا مبرورندی کشورهای عضو بازار مشترک پیش‌خواه‌اند و گفست تا سیاست پناهنده‌گی اروپا را فرموله‌کنند، اشاره می‌کنند و آنگاه مطرح می‌سازد، هنگامیکه طرح سیاست آینده در مورد پناهنده‌گی متقاضی پناهنده‌گی در نظر است، چه چیزهایی از نظر سردمداران اروپایی در اولویت قرار خواهد گرفت.

برلبه، بحران جهانی پناهنده‌گی از سالهای ۱۹۸۰ بعهد درگیر به‌سای منطقه یونانی‌بریتانیا که بی‌وخی شدن اوضاع در اثر رقابت و مداخله، امر قدرتها، حرکت‌های وسیع پناهنده‌گی در جنوب شرقی آسیا، جنوب آسیا، آسیای میانه، شاخ آفریقا، آفریقای جنوبی و امریکای لاتین بوجود آمده، تعداد این جمعیت پناهنده درجهان قریب ۱۴/۵ میلیون نفر است. (۲) ۹۰ درصد پناهندگان از کشورهای جهان سوم هستند. بیش از ۹۰ درصد این تعداد در همان جهان سوم می‌مانند. بیشترین تمرکز پناهندگان به نسبت جمعیت در قریبترین کشورها است. اروپای غربی برلبه بحران جهانی پناهنده‌گی قرار گرفته است. به این دلیل که فقط با کوچکترین موج از جریان وسیعی که از جهان سوم نشأت می‌گیرد، درگیر شده است. طبق آستانه‌های گذشته که مطابق با استناد دارد، های جهانی امروز است. تعداد پناهندگان

از سال ۱۹۹۲، حذف مرزهای ملی بین کشورهای عضو بازار مشترک اروپا و متحرک آزادانه در امتداد مرزهای ملی در درون منطقه، با تحقق یک بازار واحد صورت می‌پذیرد. ایس سیاست که ضرورتاً از طرف پناهنده‌گی و سیاست پناهنده‌پذیری در منطقه را دربر خواهد گرفت، تاکنون به‌اندازه کافی و به‌مقیاس وسیع که به شکل بازار مشترک و تقویت کنترل مرزهای خارجی بازار مشترک یا شیدای نظر گرفته شده است. از اوایل دهه شصت، دولتهای اروپایی برای یکسان کردن سیاست‌های بازار مشترک در بریتانیا پناهنده‌گی تا سال ۱۹۹۲، ملاقات‌هایی داشتند. تلاشهای این دولتها برای هماهنگ کردن سیاست‌ها، با سوئیس شدیدی لغت بسیاری از احزاب سنتی موجود، که از منافع پناهندگان در اروپای غربی حمایت می‌کنند، راجه گردیده است. موسسات و طلب درجهان پناهنده‌گی، کلیساها و بعضی از اعضای پارلمانها معتقدند که این دولتها می‌خواهند برای ورود پناهندگان به کشورهای اروپای غربی تمهیداتی قائل شوند.

درواقع آنچه مورد نیاز است سیاستی است که بتواند پناهنده‌ها را به‌سای بین المللی و هم‌پناهنده‌ها را به‌سای موضوعات استراتژیک نه فقط برای سبک کردن موقتی مشکل بلکه برای بحث هم‌راه‌برنده با بی‌مشکلات با برجامانده‌اند. برای دولتهای اروپای غربی و بازار مشترک اروپا، حداقل یک دوره طولانی استراتژیک لازم خواهد بود که بتواند برای گسترش سیاست‌ها پناهنده‌گی در کشورهای جهان سوم که اکثر پناهندگان از آنجا هستند، مداخله حقوق بشری باشد. فقط زمانی درجهت حل مشکلات پناهنده‌گی پیشرفتی صورت خواهد گرفت که بدین المللی مسائل که پناهنده‌گی از آن سرچشمه می‌گیرد بطور کامل درک شده باشد و همچنین بطور کامل در سیرگردند و روابط سیاسی و گسترش آنها در سناهنده‌گی باشد.

غربی سهمیه جا تراک دیده و شروع به همسایری درجا بجای پناهندگان انتخابی به وطن جدیدشان نمودند. گرچه بنا به هنده پذیرنیستجناافراپیش یافت، اما بدینوسیله آنها بعنوان قسمتی و مرحله ای از یک پروسه طوری عمل نمودند که میخواهند از آرزو و رویدادشیدا تحت کنترل دولتهاسادر بیآورند.

میتوان از نظرا اهمیت ادعا نمود که افراپیش از راه روده به هیچوجه قابل مقایسه با جریان متقاضیان پناهندگی در هندوچین و آمریکا لاتین نیست به رویای غریبی نبوده است. بالاخره در اوائل سالهای ۱۹۸۰ دلسوری سست پای به هم نطقه پایانی براین برنا مه های سهمیه بندی گذاشت و هم اینکه جامعه اروپا بخاطر این دولتها نشان دادند که کنترل مهاجرت ممکن است.

به موازات ورود پناهندگان سیاسی به اروپای غربی، کسانی هم برای تأمین اقتصاد زیادتروا منیت شغلی بیشتر کنترول را تشرک میکنند و تقاضای پناهندگی می نمایند، که دولتها متوجه ورود اینگونه افراد که فعلا لیست های اقتصادی شان اجابایی نظمی در جامعه صنعتی اروپا می نماید شده اند، بجای های جمعیتی ممکن است نشان از جریان عظیم مهاجرت شمالی - جنوبی و ناشی از تغییر در ساختار اقتصادی و اجتماعی پیش رونده در جهان سوم باشد.

پذیرفته شدگان پناهندگی، با لیست سنگینی و ارزیابی درسی برای پذیرش پناهندگی وارد کرده اند. بطور مثال در آلمان، ۷ (هفت) سال و دویزدیگر کشورها از ۱۸ ماه تا چند سال زمان پذیرش پناهنده بطول انجامیده است. مشکلات اداری، ترکیبی از افزایش شمار متقاضیان پناهندگی که بدون مدارک و یا با سپورت های جعلی و بدون ویزای معتبر و یا با ویزای تقلبی به کشورها وارد میشوند (است. ۴). بعلمت مشکلات عیدیه در زمینه خدمات اجتماعی، عدم استفاده کارمندان برای سرعت بخشیدن به کار پناهندگان، و در بعضی موارد دیگر در دوران ایالتی، مساله پناهندگی را به یک جریان بزرگ سیاسی در بسیاری از کشورهای اروپای غربی تبدیل نموده و دلنشانها هم با سستی عدم پذیرش، حالت دفاعی بخود گرفته اند.

سیاستهای پناهندگی اروپا بعد از ۱۹۴۵

در دهه ۵۰ بعد از جنگ، تقریباً تمامی

کسانی که به کشورهای اروپای غربی پناهنده شدند، از کشورهای اروپای شرقی بودند که بعلمت فشارهای سیاسی و اقتصادی در کشورهای و شانه های فرهنگی بین این کشورها پناهنده شده و بعنوان نیروی کار برای رشد توسعه اقتصادی غرب بشمار میرفتند. در طول جنگ سرد بدلائل سیاسی و ایدئولوژیک، اگر تئوسبق نماندند، حقوقشان را کرامتی میداشتند. از ۱۹۸۱ تا زمان ساختنندند دنیوا برلین در ۱۹۶۱ حدود سه و نیم میلیون نفر از طریق برلین شرقی وارد آلمان غربی شدند و شمار وسیعی از دیگر فراریان راهشان را از میان مرزها سمخا ردا همراه با جریان برق، به اروپای غربی باز نمودند.

شمار وسیعی از پناهندگان از کشورهای سوسیالیستی، بدون سوال و جوابهای جدی از چگونگی حرکت و غیرمعتادان، فوراً پذیرفته میشوند. از ۱۹۶۰ که کشورهای سوسیالیستی کنترولشان را بر مرزها محکم تر نمودند، ورود از شرق به غرب کاهش یافت.

در طی دهه سال اخیر، جریان بسیار پناهندگی از اروپای شرقی به اروپای غربی شکل تا سبب باری شدت یافت، سبب استعمار و اقتصادی بسیار اوائل دوران جنگ سرد به خرد جرات پذیرش تاوما تیک پناهندگان اروپای شرقی را نمیدهند. بنا بر این آنها دلائل اقتصادی و بیوسن مجدد به خوانده در نظر میگیرند.

در این زمان تقاضاهای معدودی از طرف پناهندگان از کشورهای جهان سوم برای اسکان در اروپای غربی وجود داشت، اکثریت عظیمی از غیر اروپایان که بعنوان پناهنده، بلکه بعنوان مهاجر در کشورهای اروپای غربی دست به بندی میشوند بعلمت درگیریهای استقلال طلبانه کشورها ترک مینمودند. بطور مثال در سالهای ۷۰ و ۱۹۶۰، بعد از استقلال الجزایر، مورامیک و تانگولا، مهاجران و رفوآ ردفرا سه و پرتغال شدند. ۲۸ هزار و گاندانی، آسیای، در بریتانیا پذیرفته شدند، حدود صد و هجده هزار کوبا نسی در جستجوی پناهندگی در اسپانیا بودند. تعداد کمی هم برای فرار از دست رژیمهای دست راستی اسپانیا، یونان و پرتغال به شمال اروپا وارد شدند. (۷). اگرچه تعدادی از این افراد بر طبق کنوانسیون ژنو، برای جلوگیری از درگیری بسیار کشورهای همسایه، پذیرفته شدند، ولی به اکثریت آنها اجازه داده شد که بعنوان مهاجر در کشورهای میزبان بمانند. (۸)

او فرما سالهای ۷۰ و ۱۹۵۰ بعلمت دوره رشد اقتصادی در اروپا، این کشورها به نیروی کار و کارگران مهمان و میلیونها زحمتکنان اروپای

شرقی و مستعمره های سابق اروپا در آفریقا، آسیا، کارائیب و اروپای جنوبی نیاز داشتند. بطوریکه هندی های غربی و آسیایی ها به بریتانیا و آفریقای های شمالی به فرانسه اندونزی ها و موریسی ها به هلند، ترکیها و اروپای های جنوبی به آلمان آمدند. (۹)

در اوائل سالهای ۱۹۷۰ حدود ده میلیون کارگر مهمان و دو میلیون مستعمره های سابق اجازه سفر به کشورهای اروپای غربی را یافتند. (۱۰) دولتهای اروپای هیچگاه تمایل به اسکان دراز مدت کارگران مهمان از سالهای ۱۹۶۰ در کنترولشان را نداشتند. بطوریکه با آزاد نیروی کار در سالهای ۱۹۷۰، توقف مهاجرت نیروی کار در ۱۹۷۴ صورت گرفت ولی این مانع با عسرت برگشت کارگران مهمان به کشورهایشان نگردید. اما شوک قیمت نفت در ۱۹۷۳ و سقوط اقتصادی تولید نفت خاور میانه باعث شد که فشار بر مهاجرین کشورهای غیر اروپای، مخصوصاً مغربی ها، افزایش یابد.

تعداد کارگران برخلاف سالهای ۱۹۷۰ در سال ۱۹۸۰ فقط در حدود چوکی از کل مهاجرین را تشکیل میداد. در دهه ۸۰ درصد مهاجرین قانونی بخاطر مشکلات اجتماعی و ناشی به این کشورها آمده بودند. (۱۱)

بطول سال ۱۹۸۵، مرحله ای خاص در تاریخ مهاجرت کارگران بود، چرا که تعداد کارگران خارجی که با اجازه قانونی وارد شده بودند، افزایش چشمگیری یافته بود. ادامه دارد

(۱) مقاله ای که ملاحظه می کنید توسط یکی از کارشناسان مسائل پناهندگی نوشته شده است. گیل لوئشر نویسنده مقاله در این زمینه تحقیقات و بررسی های با همکارانی کمیسیون عالی امور پناهندگی در سازمان ملل انجام داده و کتاب پناهنده ها نوشته شده است. روش است که ما با تحلیل نویسنده درسیاری از موارد درمافوق نیستیم، ولی در این حال نوشته حاضر بخاطر نکات مفیدی که درمبارای چاپ در نشریه انتخاب شده است.

(۲) تمامی کشورهای غربی، کنوانسیون سازمان ملل در رابطه با وضعیت اجتماعی، پناهندگان را امضا کرده اند، که در آن پناهنده بعنوان شخصی که کنترولش را بعلمت ترس از تعقیب، خواهرزادگی، مذهبی، ملی، عضویت در یک گروه خاص اجتماعی و خواه عقیده سیاسی ارتک کرده باشد،

بقیه در صفحه ۶

## دانشجویان هوادار شورای عالی تلاش در متن رویاهای گذشته

### ادامه از صفحه ۱

مترفی و دمکرات " تلاش برای " گسترش و همه جانبه نمودن فعالیت خود " را نیز در نظر دارند.

لیست دعوت شدگان دانشجویان هوادار شورای عالی، ۳۰ قلم را شامل میشود، که از سازمانهای واقعی و سیاسی شروع به جریانات و عناصر غیرواقعی و ناموجود سیاسی مثل هواداران سازمانهای متلاشی شده، تا دوام یافته و با تشکلهای میکرواتیکی واقعی و سیاسی دست ساز-ممثل شورای پناهندگان حزب " کمونیست " کومله- خامنه می‌یابد. در لیست کلاً ناهمگون سازمانهای سیاسی شده از سازمانهای سوسیالیستهای ایران تا طرفداران هم استراتژی هم تاکتیکی مبارزه مسلحانه، از میتوان مشاهده کرد. طرح رفقای هوادار شورای عالی البته شکست خورد، طیف کلاً غیر متجانس و بعضاً غیر موجود و بعضاً نامتناسب به چنین سمبانی روی خوش نشان ندادند. البته واحد فرانکفورت سازمان ما در مراد ماه به فراخوان رفقا پاسخ مثبت داد و پیشنهاداتی برای برپا برداشتن نشست ارائه کرد. ما با وجودیکه چنین سرشودت و سیاسی چیزی مشابه آنرا پیش بینی میکرد.

اما اینکه چرا دانشجویان هوادار، چنین خوش خیالانه به تدارک چنین سمبانی " وسیعی " همت گماشتند را می‌باید در دو ارزیابی غیر واقعی آنها یافت. ارزیابی اول به بررسی گذشته نزدیک جنبش خارج از کشور برمیگردد. رفقا در دعوتنامه خود چنین نوشته‌اند: **مشابهت** پراگندگی بر نیروها و عناصر مترفی و دمکرات حاکم گردیده است. تا کنون و حتی در فروری-ترسین شرایط فقدان یک بلوک مترفی و دمکراتیک محسوس بوده و گمانهایی که این نیروها و عناصر در راستای مبارزات مشترک برداشته‌اند هواره مقطعی و بسودن ادامه‌گاری بوده‌است. " اتناکیدامات است بر این ارزیابی اول " هرگز غیرواقعی از جنبش خارج از کشور ارائه میشود.

جنبش خارج از کشور در چند ساله اخیر ۱۰۰۰ نه‌مشتی، بلکه هواره در پراگندگی حاکم بهر نیروها و عناصر مترفی شده و پاره است. این امر در جنبش ضد جنگ، جنبش مهاجرین و دفاع از زندانیان سیاسی بدینجه وجود داشت و با آمار میتوان آنرا اثبات کرد. آخرین تحرك از ایندست را میتوان در تظاهرات ۱۰۰۰ جمعیت فرانکفورت، که به دعوت دانشجویان هوادار شورای عالی طیف اقلیت کومله و ۱۰۰۰ و تظاهرات ۲۰۰۰ نفره تشکلهای دانشگاهی دمکراتیک در برن، که سازمان ما نیز از آن حمایت کرده بود، دید. تظاهرات در یک روز و با مخفون واخه، ولی با زمانه‌های نادر و حامی‌ها و متفرق و گاه شدیداً مخالف هم. و هر آدم روشن بینی‌میداند این تفرق و پراگندگی ناشی از درک فرقه‌گرایانه و عدم قیام‌مانه در گروه بندی هواداران طیف اقلیت، و وسیعی منجمله همین دانشجویان هوادار شورای عالی، و حسرتی " کمونیست " کومله بوده است. ثانیاً تغییر شرایط و احوال جهان و ایران از ارزیابی رفقا و وجود نداشتن اوضاع و احوالی که بزرگترین زمین لرزه تاریخ عصر جدید بعد از انقلاب اکثریت است. مردان شرابست تصور ثبات نیروها و برنامه‌ها به یکسکمی بلکه یکمنامش

عمیقاً تراژدیک است. عدم ثبات نه تنها در میان نیروها، بلکه در فعل و انفعالات درونی این سازمانها نیز از مشخحات دوره کمونی است. بنابراین برای برگرد به گذشته نزدیک از دو جهت خطاست. اولاً نیروهای گذشته دیگر مختصات قبلی را حاضرنیستند و ثانیاً تکیه بر بلوک بندی مصنوعی صوری و بعضاً فرقه‌های سابق یعنی " پراگندگی بر نیروها و عناصر مترفی و دمکرات حاکم " میگردد و این با اهداف ارائه شده توسط دانشجویان هوادار خوانایی ندارد.

برای تشکیل بلوکی از عناصر مترفی و دمکرات، دو تغییر مهم در برنامه عمل دانشجویان هوادار به چشم میخورد. آنها در: ۱. نامه ارائه شده برنامه اینس بلوک را بر پایه دمکراسی و آزادهای سیاسی قرار دادند که بتواند دخلت فراگیر داشته و طیف گسترده و وسیعی را شامل شود. ۲. نیروهای شرکت کننده را نیز کمی فراختر گرفتند. البته در این امر هنوز بسیار ناپیگیری و تزلزل حرکت میکنند. مثلاً آنها از سازمان سوسیالیستهای ایران دعوت کرده‌اند، ولی از سازمان فدائیان خلق ایران و یا حزب دمکراتیک مردم ایران اسمی نبرده‌اند. اما این دو تغییر در کام اول-بلوک فرقه‌ای سابق را مضموناً متلاشی میکند. زیرا اینس بلوک از آزادهای سیاسی و ضرورت حیاتی آن برای جنبش داخل و خارج بوشی نبرده است و جنگلی سازمانها و گروههای سیاسی واقعی را در بایکوت قرار داده و هر حرکت کوچک مبارزاتی را با شرط و شروطی فرقه‌ای و سازمانی. محدود و مسدود کرده است. یعنی در واقع بیش از نصف نیروهایی که دعوت شده‌اند، هم بدلیل مخالفت با برنامه ارائه شده و هم بدلیل اینکه با دیگر نیروها اشتقاق نمیکند، با طرح رفقای دانشجویان هوادار نیز در سیاست اشتقاقی بیشتر خملت دنباله روانه دارند و مثلاً اگر حزب " کمونیست " کومله و یا هسته‌های اقلیت در اشتلاف نباشند معمولاً نخواهند آمد. - مشکل سازمان وحدت کمونیستی- تعدادی نیز حمله و تخریب‌ها که نام برخی از آنها را اولین بار بود که ما میشنیدیم- دعوت شدند که بیشتر جنبه تجملی و فرمالیستی برای افزایش لیست دعوت شدگان را داشت. و ۳. درصد بقیه دعوت شده‌ها نیز تشکلهای و جمعتهای میکرواتیکی پناهندگی، زنان خویشنگان و ۱۰۰۰ بودند که اساساً بدلیل فقدان برنامه جهت سازماندهی مهاجرین از ناحیه دانشجویان هوادار به بلوکها و جبهه‌های سازمانی دعوت شدند و روشن است، که خود آن جمعیتها کمتر به شرکت در این بلوکها بویژه در شرایط کنونی راغب هستند.

مفاد اعلام شده و خواست شرکت گسترده و وسیع نیروهای دمکرات و مترفی از طرف دانشجویان هوادار شورای عالی با ارزش و نیکوست و باید برای آن تلاش کرد. کام اول برای چنین پلانترمی سه لیست گسزدن اساسی سازمانها و گروههایی است که اصلاً به آن اعتقاد ندارند و یا موجود نیستند و یا بدلیل مضمون منفی سازماندهی طرف انقلاب اکثریت، میلینند، بلکه ابتدا میبایست نیروها و سازمانهایی را که به پلانترم آزادهای

سیاسی باور دارند و بلحاظ سیاسی نیز در کارگزاران و نیروها تاثیراتی میگذارد گرد آورده و از اینطریق هسته محکمی برای پایه‌ریزی اشتلافهای وسیع و گسترده‌تر را تدارک دید. از این کا تال میتوان به آن بخش از نیروهای انقلابی نیز که به اشتلافهای سیاسی گسترده باور ندارند- سد فشار آورد تا خط تفرق و انزوا را کنار بگذارند و به این جنبش بپیوندند.

بنابر این دانشجویان هوادار شورای عالی در تناقض ارزیابی نادرست از گذشته و برنامه نسبتاً واقعی از آینده قرار دارند. حرکت اخیر دانشجویان هوادار برای تشکیل سینار و شکست رفت انگیزه آن نشان میدهد که دانشجویان محکوم هنوز دل‌بسته رویاهای گذشته‌اند. این رفقا بارها به درخواست ما و سازمان فدایی با دلایل غیر قابل فهم و ناموجه پاسخ منفی داده‌اند. یعنی از یک همکاری واقعی و تمربخش تن زده‌اند و در همانحال در اندیشه سازماندهی یک حرکت وسیع و ادامه دار از یک طیف ناهمگون سیاسی بوده‌اند. ۱۰۰۰ مهم حرکتی که از قبل محکوم به شکست بوده است. شما این تناقضی در اندک را چگونه تحلیل میکنید؟



## تظاهرات علیه کشتار فلسطینیا

### استکلم

شنبه ۱۳ اکتبر تظاهراتی بدعوت جبهه خلق برای آزادی فلسطین در مرکز شهر استکلم برگزار گردید این مراسم با حضور نیروهای مختلف از جمله PL و مسلمانان لبنان، حزب کمونیست مارکسیست-لنینیستی انقلابی (PL) (۲) هسته اقلیت سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) برگزار شد. این مراسم با سخنرانی نماینده PL-۱ نماینده مسلمانان لبنان و نماینده حزب چپ سوئد آغاز شد. پس از آن بسا راهپیمایی بسمت سفارت اسرائیل و بعد آمریکا بپایان رسید.

### بورش و توضیح:

در شام ره ۲۴ میا یکم را گرد میرزا نیباز ۱۵ که با جبهه با آقا می‌ریزان اشتباهی رخ داد که با بورش از خون زندگان و آقای مرسان بدینوسله توضیح میشود: مطالب مندرج در فاصله بین ۱۹ سرتون دوم، صفحه ۶ تا سرتون ۲۹، سرتون سوم همان صفحه با پیشی از سرتون ۲۳، سرتون دوم صفحه ۷ تا سرتون ۱۵ بود.

### فراخوان زنان، علیه سواستفاده جنسی از کودکان

بن ۱۲۷ اکتبر-بر اساس تخمین اداره جهانیات آلمان از هر چهار دختر در آلمان فدرال، یک نفر مورد سواستفاده جنسی قرار گرفته است. شکل جدید این سواستفاده در ماههای گذشته، تجربه فیلمهای سکسی ویدیویی از کودکان میباشد که روز جمعه در پارلمان مورد انتقاد نمایندگان زن از تمامی فرانسویهای موجود در پارلمان و همچنین دو عضو کمیسیون کودکان پارلمان، قرار گرفت. آنها از مجلس خواهان مجرم شناخته شدن دارندگان ایس

گونه فیلمهای سکسی و همچنین افزایش میزان مجازات کتا نیکه از ممنوعیت پورنوگرافی از کودکان تعلق گرفته و به نفع این فیلمها می یازند، شدند. ماری لوییز اشویت نماینده حزب سبزها در پارلمان، اظهار داشت که بسیاری از این تهیه کنندگان فیلمهای پورنوآماتور هستند و اغلب توسط پدرهای این کودکان و یا عموهای آنان ساخته شده اند. این فیلمها بطور خصوصی با دیگر علاقه مندان به پورنوگرافی کودکان مبادله میشوند. زراته اشویت نماینده سوسیال دمکرات اظهار داشت که با بدینگونه ادامه داد که در آلمان یک شبکه مبادله ویدئو که متشکل از ۳۰۰۰۰ جمع آوری کننده فیلمهای سکسی کودکان می باشد، وجود دارد. زنان نماینده در مجلس همچنین از کاتالوگی که برای

وزیر جوانان و خانواده فرستاده شده است و تصاویر تکان دهنده ای از آمیزش جنسی با کودکان چهار پیا پندجساله در آن وجود دارد، پرده برداشتند. در تهیه این فیلمها، کودکان قربانیان سواستفاده های جنسی و تمامی پیا مدهای سخت جسمی و روحی آن در تسمام طول زندگی خود میباشد. نماینده دیگری از دولت افزایش مجازات از یکسال به سه سال برای پورنوگرافی تجاوزکارانه کودکان را تقاضا کرد. او تا و نورفل یک نماینده دیگر خواهان این شکسته از این به بعد از سواستفاده های جنسی می بایست تحت عنوان استفاده تجاوزکارانه جنسی نام برده شوند. دست آخر نوربرت آیم-یکی دیگر از نمایندگان اظهار داشت که تا امروز بسیاری از نمایندگان در پارلمان، نمیتوانستند، ابهام پورنوگرافی کودکان را تصور کنند

### فراخوان جهت شرکت در تظاهرات ۸ دسامبر

مناسبت فرارسیدن ۱۰ دسامبر روز جهانی حقوق بشر است. شکل دیگرانیک در آلمان فدرال تصمیم به برگزاری یک تظاهرات در مقابل سفارت جمهوری اسلامی درین گرفته اند. متشکل های مذکور سخن فراخوان خود را برای ما ارسال داشته اند که در زیر ملاحظه میکنید. ماهه بنا هندگان و نیروهای سیاسی را به شرکت در این تظاهرات دعوت کرده و برای فعالین این حرکت آرزوی موفقیت داریم. سردبیر محترم نشریه پیام کارگر با درج فراخوان بیوست در مطبوعات خویش حمایت از تظاهرات روز جهانی حقوق بشر فرستاد برای آشنایی جنایات رژیم جمهوری اسلامی مخفتم شمرده و کانونهای

دفاع از جان زندانیان سیاسی را یاری نمائید. فرخوان با فرارسیدن ۱۰ دسامبر روز جهانی حقوق بشر و منظور ادامه سنت بزرگداشت این روز به مثابه تریبون برای افشای پاپمال شدن کلیه حقوق انسانی میلیونها ایرانی و سرکوب و حیثانه و همه جانبه مردم در تمام زمینه های اجتماعی و سیاسی و اعمال تشویقات و کشتار در زندانها فریاد اعتراض خود را بر علیه رژیم خونخوار و ددمنش جمهوری اسلامی ایران بگوش همه جهانیان برسانیم. به همین مناسبت هنگان را به شرکت در تظاهرات در مقابل سفارت رژیم در شهر در تاریخ ۸ دسامبر ۹۰ دعوت مینمائیم. بنام حقوق بشر ما حمایت شما را برای زنده نگه داشتن خاطره همه اعدام شدگان و در حمایت از جان تمام زندانیان سیاسی ایران از این حرکت خواستاریم.

جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران-کلن کمیته موقت دفاع از زندانیان سیاسی ایران-بن کانون دفاع از زندانیان سیاسی ایران- فرانکفورت در آرخس لحظاتی که نرسه برای ما میرفته اغلب عیب دیگری دست ما رسید که متشکل دیگران تکل مدرال، در فراخوان جهت تظاهرات و سمانست سیاسی، به شکل ما سرده در وی بیوستند، اما می این شکل فا عبا رتندار: ۱- انجن آلمانی ها - خارجی های، تریویرت ۲- کانون بنا هندگان سیاسی ایران - هاکی ۳- کانون بنا هندگان سیاسی ایران - اس ۴- مرکز ایرا سنان - در تومند ۵- انجن رتا ایران - کلس ۶- کانون دوستداران فرهنگ و هنر ایران-هانوفر

### ادامه از صفحه ۴

تعریف شده است. ضمنا اکثر این دولتها، ربنیان گذاران ادا ره کمیسیون عالی سازمان ملل در موریتا هندگان (UNHCR) می باشند که تنهها موسسه بین المللی برای دفاع از حقوق بینا هندی در سرا سرجیان بوده است.

(۳) تخمین بنا هندگان جهان توسط (دی سی) واشنگتن ۱۹۸۸، و کمیته آمریکا برای بنا هندگان ۱۹۸۹

(۴) طبق آمارها، ورود متقاضیان بنا هندی به اروپای غربی میتواند در دست و تا اندازه ای غلط عنوان شده باشد، و وارد شدگان در واقع ممکن است شامل اشخاصی نیز باشد که قلیتقا ساسی بنا هندی گشتا بر رسمیت شناخته شده بوده است. همچنین ممکن است شامل تعدادی از آنها که شتقا بنا ن رده، یا قفا بنا ن را بیست گرفته اند، یا دیواره جزوا ر شده اند، یا به

کشورشان برگشته اند یا به جا های دیگر انتقال یافته اند، نگردد، با در نظر گرفتن این که هسند، افراش ممکن است در واقع کمتر باشد.

(۵) جنبش بی نظم، اولین با روسیله ا عضا کمیته اجرائی کمیسیون عالی درامسور بنا هندگان سازمان ملل (UNHCR) در ۱۹۸۴ عنوان شد (مراجعه کنید به گیلبرت باکر، بررسی جنبش های بی نظم متقاضیان بنا هندی و بنا هندگان، ژنو UNHCR)

(۶) بعضی از دولتها معتقدند که در حال حاضر ۳۰ تا ۴۰ درصد متقاضیان بنا هندی فاقد مدارک هربت شخصی در مان ورودشان هستند. ماما حبه مولف با دولتها و ادارات کمیسیون عالی بنا ن ملل در موریتا هندگان UNHCR درین، بروکسل، کپنهاگ (دین)، ژنو، لندن و پاریس در ۸۹ - ۱۹۸۴، آنا با لورن، بنا هندگان جدید در اروپا

(ژنو ۱۹۷۴). (۸) باول و ابز، سیمای آنگا و مشکلات بنا هندی گان بمساو و انفعیت (ژنو ۱۹۷۴).

(۹) برای روز بیشتر میتوان ندیمساو ان مشال به این منابع مراجعه نمائید. جان ویدگورن، مهاجرت بین المللی، جنگ جدید علیه اروپا، اخبار مهاجرت، شماره آوریل - ژوئن ۱۹۸۷ صفحات ستاتی وینچ.

(۱۰) سالهای ۷۰ و دهه دولتها اروپا شعی تسهیلاتی برای ورود در فها بنا هندگان می که به کشورهای اروپای می بدهند، فا ثل شدند، از جمله اجازت راکمکهای اجتماعی، آموزش زبان و قاننون بنا هندی.

(۱۱) به جان ویدگورن، اروپا مهاجرت بیسن - المللی در آینده، از گیل لوییز ویلیامونا، بنا هندگان و رورنا بین المللی "مراجعه نمائید.

## میخواهم از غرب برایتان بگویم

از الکساندر زیتوف

ترجمه مریم

## ادامه از صفحه ۱

روزنامه شوروی از من صورت میگیرد. و اساساً من در مورد چه چیزی باید بنویسم؟ امروزه در شوروی به آنان که به هر چیز شوروی و از جمله سیستم کمونیستی شوروی و تاریخ شوروی تک می‌اندازند، ارج گذاشته میشود. امروزه چنین نویسندگانی نه تنها مجازات نمیشوند بلکه مستقیماً از طرف مقامات بالا مورد تشویق نیز قرار میگیرند. من از چنین "مردان شجاعی" خود را جدا میکنم و به آنها تعلق ندارم.

اما من ۱۲ سال است که در غرب زندگی میکنم و با جایا ر از نزدیک شاهد زندگی مردم در غرب بودهام. آنچه که من میخواهم در موردش بنویسم، تجربه خود از کمبودها و فوائد شیوه زندگی غربی و مشاهدات خود از حوادث شوروی و نظریات خود در این مورد می‌باشد. به نظر من هم اکنون نوعی بیست روحی گریبان توده‌ها را در شوروی گرفته است. آنها که بوجود آوردگان و متکبرین این بهت و گیجی میشوند. آنها بیداری و هشیاری پس از دوران سیاه استالین و برزنت نشان میدهند.

اما من این را یک بیس رفت اخلاقی و فکری برای جامعه شوروی میدانم. یکی از دست‌آوردهای این دوره ایده‌آلیزه کردن غرب میباشد. دوره ایدئولوژیک قدیمی در مورد آنکه غرب تنها مرکز سبب‌است جای خود را به دروغ ایدئولوژیک جدید داده است که غرب را محل تمرکز همه خوبی‌ها میدانند. اما آیا واقعاً غرب آن بهشت روی زمین است که خیلی‌ها، در شوروی جلوه میدهند؟ من باید اقرار کنم که مسن از دست به قلم برن در مورد این موضوع خجالت میکشم. من خجالت میکشم که در مورد آن غرب واقعی بنویسم. زیرا هزارها جلد کتاب در مورد آن نوشته شده و من چیزی برای اضافه کردن به آن ندارم.

انتیاج شوروی وقتی به غرب می‌آیند محسوس و فوق‌العاده است. منظره‌ها میشوند اولین برداشتی که میشود آن است که آن شعار کمونیسم در واقع در غرب عینیت می‌یابد: "هرس کس به اندازه نیازش" اما این برداشت بزودی با در یافتن قیمتی که باید برای کالاها پرداختی تغییر میکند. هیچکدام از ایسین نعمات باجاری نمیشوند. برای آنها باید پول پرداخت "و برای بخت آوردن پول، باید کار کرد. ماهیت اصلی این روند زندگی در غرب را معمولاً آشکارا بسه عرضه نمیکارند. این واقعیت زندگی در غسرب پنهان میشود و به آن ماسک زینیا می‌پوشانند. زینسرا در ویرای ایسین روند زندگی در غرب است که روح واقعی غرب نبفته است. خه در ویشزینهای پر زور و برقی بونیکها.

تعداد کسانیکه خوشبختند و ملینونها به جیب میزنند زیاد نیست. اما در عوض تعداد آنهاست که آه در ساطند دارند بسیار است.

اینکه از لای کتابها و روزنامه‌ها در مورد بیکاری بخوانی آسان است. اما آنچه خود بیکاری را سالها تجربه کنسی و برای گرفتن حق بیکاری مبارزه کنی چیز دیگری است. سیاستمداران ایدئولوژیکهای غرب فریاد میزنند که بیمه بیکاری در غرب بیشتر از حقوق ماهیانه افراد در کشورهای کمونیستی است. این یک دروغ دوزان زناکت است.

تمام مواهب غربی برای یک جنبه منفی هستند که از جنبه مثبت آن جدا شختنی نمیشاند.

بسنوان مثال مسئله مسکن را در نظر بگیرید؛

تنها پس از منتهای مدید جستجو و پرداخت حسق الزحمه گزاف به بنکاهای خاتهایباید شاید بتوانی موفق

به اجاره آپارتمان ریا خانهای شوی. البته میتوانی خانه

بخری. اما قیمت آن چقدر است؟

ارقام نجومی و همواره در حال افزایش دانشی بسرای

خریدن خانه باید از بانک وام گرفت. وامهای اغلسب

۳۰ ساله. و این بدین معنیست که باید دو برابر قیمت

خانه را در طول ۳۰ سال به بانک پرداخت کنرد. حالا

جرتش داری وام بانک را نپرداز. اینک دیگر دولت شوروی

نیست. انتقاد نمی‌زید و بخشی در کار نیست. تازه هر

کسی نمیتواند خانه بخرد. باید فاض داشت.

تمام عرصه‌های زندگی در غرب به همین ترتیب می‌باشد.

داشتن سطح بالای زندگی در غرب عمدتاً نه یک امراختیاری

بلکه اجباری است. این استانداردهای بالای اجباری زندگی

اشکال مختلفی برای طبقات مختلف دارد: برای لایه‌های

بالاشی شرت برای لایه‌های متوسطیست و قات گیر وانگان

بقا در فقر و یا ادامه زندگی به خرج جامعه برای لایه‌های

پاشینی را در بر دارد.

همه چیز از دور زینیا به نظر میرسد. آژاوردهل از دور خوش

است. ( وسط بالای زندگی جوانان در ظاهر فریبسنده

به نظر می‌رسد. اما در ویرای ایسین

زینیا شای ظاهری سقوط اخلاقی و روحی تپه و فقیر نبفته

است.

در مسکو و برای این غرب المثل نقل میشود که " سرمایه‌داری

میوسه‌انگاز از این بوسیدن بوی خوش به مشام میرسد. "

در حقیقت سرمایه‌داری در حال بوسیدن نیست. امسا

از سلامت بوش بوی گند به مشام میرسد.

از نظافتچی تا ریشی جمهور همسدر بورد یک چیز حرف‌میزند

و فکر میکنند: پول هر جا میروی محبت از بیول و زندگی

مرفه است. غرب وسوسه پولش و ایدئولوژیش را گوشنی

به همه دنیا و مخصوصاً به مردم کشورهای کمونیستی

سرایت می‌دهد.

من خود شاهد آن بودم که چگونه یکی از نغرت‌انگیزترین

عملیات تاریخی ما حسابگری ارزشهای اخلاقی مردم آلمان

شرقی را با پول و هدایای آلمان غربی نابود کردند.

در غرب هم تحمیق ایدئولوژیک صورت میگیرد. اگر چه ظاهراً یک ایدئولوژی دولتی همگانی و اجباری در فراگیری متون ایدئولوژیک وجود ندارد. اما انسانها در اینجا با روش بسیار موثرتری از شوروی تحمیق میشوند. ایسین تحمیق ایدئولوژیک از طریق کانالهای متمدن تلویزیونی، ادبیات، کلیسا، فیلم، روزنامه‌ها، مد و خلاصه هر وسیله ممکن صورت میگیرد.

اقتصاد غرب، دیکتاتوری بانکدارها و وابستگان آنها میباشد. دیکتاتوری که کمتر بیرحمانه‌تر از دیکتاتوری دولتی شوروی نیست. اقتصاد غرب دیکتاتوری صاحبان بسزرگ سرمایه است.

روسیه تصمیم خود را گرفته و سرنوشت خود را تعیین کرده است. سرفنظر از اینکه ما در مورد کمونیسم بنویسیم استالین برزنت و دیگر پدیده‌های تاریخ و زندگی روسیه چه نظری داریم، آنچه که ما نمیتوانیم از آن فرار کنیم یک حقیقت تلخ و بیرحم است:

سرنوشت تاریخی روسیه آنچنان محکم با سرنوشت کمونیزم گره خورده است که تلاش برای کنار گذاشتن کمونیسم و قدم گذاردن در راه غرب آشکارا باعث نابودی تاریخی روسیه و مردم آن خواهد شد.

## چنین است زندگی من

وظیفه من همپای سرودم به پیش می رود  
هستم و نیستم: سرنوشتم این است.  
وجود ندارم اگر به درد آنان

که رنج می برند نپردازم  
دردهای آنان دردهای خود من است.

چرا که من نمی توانم بود مگر برای همه  
برای همه آنان که خاموشند و در بند.  
از مردم می آیم، و برای آنان می سرایم

شعرم سرود است و کبفر  
به من می گویند: تو از آن ظلمتی.

شاید، شاید، ولی به سوی نور می روم.

من مرد نان و ماهی ام

در لابه لای کتاب‌ها مرا نخواستی یافت

بل در میان زنان و مردان:

لایتنهای را آنان به من آموخته اند.

پا بلونرودا



## تظاهرات ضد فاشیستی در هانوفر - آلمان

سه دغرت ۱۵ سنگل وجریان ن سبای آلماسی دیکمده همسنگی ما ساروات مردم آلمان - هانوفر ، در تاریخ جمعه ۱۹ نوامبر ۱۹۶۹، تظاهراتی در محل "استادین تور" در هانوفر برگزار شد. در این تظاهرات ستم‌ها و هتک‌ها سرکوت کرده، در اطلاعیه فراوان آمده بود: در فاطمه روزهای ما ۱۳ نوامبر ۱۹۶۸، تعداد ۴۵۰۰۰ متمد، خواهان ما نمیدانیم چه چیزی میماند و سرورسکا هتوسط پلیس ناری آلمان تخریب دردم‌گسیده شدند ۰۰۰۰۰ روز ۱۹ نوامبر سال

۱۹۶۸ منطقه عطفی در سرکوب و آزارهای پیوسته در سرارویا بود..... "در این تظاهرات سنگسار و تخریب‌ها در روز و در اعتراض به سرکوت گزاینات برای دیرینا سرگرا رند. برای تحقیق خواسته‌های بر سر تظاهرات اعلام موضع شد: - سرکوت تظاهرات حق سرکوت در این تظاهرات برای همه. - قانون خارجیتا لغو یا بدگرده. - حق اقامت برای مهاجرین وینا هندگان

- برداخت غرامت به بارمانندگان قربانیان فاشیسم  
- لغو سیستمی قید و شرط نظامی برای آلمان  
- در مرحله با با تظاهرات تظاهرات حدود ۲۰۰ نفر شاعران و برجها بی نشان نارسمه طرف، تظاهرات هندگندگان در حرکت بودند که جمعیت با شعار راست‌اخراج یا بدگرده است تظاهرات کردند. شدند اما پلیس با دخالت خود موجب شد که گروه با زبان مسرور خود را در جهت دیگر تغییر دهند. در آلمان اعلامیه‌های متعددی از گروه‌های مختلف خوانده شد که عمده‌ها اشاره‌ای به مردم آلمان که هوشیار باشند و بیدارند که با هم هیتلر را ردیگر در سر زمین تکرار کردند.

## کنفرانس بین المللی درباره سوسیالیسم

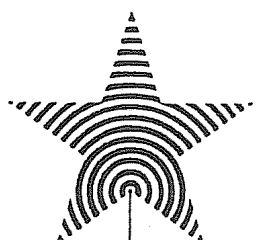
اخیراً یک کنفرانس بین المللی درباره آینده سوسیالیسم، در شهر نیویورک برگزار شد. حدود ۷۰ شرکت کننده مباحثات جدی و پر جنبه‌ای را در هیئت رئیسه دانشگاه نیویورک سیتی پی گرفتند. از جمله فعالین مباحثات جوسلوو (از حزب کمونیست آفریقای جنوبی)، مانتینگ مارابل‌های ماگدونوف، پتر مارکووه (ره سر آمریکایی)، هلگا آدلر (از حزب سوسیالیسم دمکراتیک آلمان)، میوتا باربانده (چپ متحد آلمان) و اولریش بریفس بودند. یکی از برگزارکنندگان کنفرانس، ما جنه ماگناتلی رویو - مجله سوسیالیستی است که در ۱۹۶۹ پایه‌گذاری شده و از نظر خطر طرف چپ سوسیال دمکراسی قرار دارد. بود و بخلاوه مدرسه مارکسیستی نیویورک نیز از برنامه حمایت نمود.

سخنرانی پر شور مانتینگ مارابل، دانشمند مباحثات آمریکا یکی از نقاط عطف کنفرانس در روز بود. وی (از جمله) بر این ارزیابی بود که حزب دمکرات آمریکا ترجیح میدهد که انتخابات را بیازد، تا از فردی مثل جسی جکسون حمایت کند. این حزب نتواند تر از آنست که به ارگان جنبش اجتماعی تبدیل شود. گرچه بطور سنتی به اتحادیه‌های کارگری تکیه میکند، بسیاری از ایده‌هایی که امروزه تحت عنوان تفکرات "بعد مارکسیستی" عرضه میشوند، در واقع ایده‌های دمکراتیک و سوسیالیستی قبل از مارکسیسم هستند که بعنوان پاسخ انکسالی قابل درک در قبال استالینیزم طرح میشوند.

در کشوری بدون طبقه سرمایه‌دار بسر داشت پولیش بریفس تحلیلی از طبقه کارگر جدید در آلمان غربی، که در نتیجه افزایش بارآوری کار پس از جنگ شکل گرفته است ارائه داد. وی از این تحلیل نتایجی برای سیاست چپ استنتاج نمود. بر طبق یاور وی، صرف نظر از اینکه تحول (در ساخت طبقه کارگر) چگونه باشد، جنبش‌های توده‌ای نوین می‌بایست خود را در ارتباط با این بین کار و سرمایه درگیر کنند، ولو اینکه امروزه دیگر نتوان از یک فرهنگ طبقاتی واحد سخن گفت.

دیانا جان استون سخنگوی مطبوعاتی همه جریانات سبز در پارلمان اروپا بر رابطه بین تامل محدود سوسیال دمکراسی غرب و حتی سرمایه‌داران به حد معینی از اقدامات رفاهی و رفویشی سوسیالیسم اروپای شرقی انگشت گذاشت. وی نیز مانند بریفس به واقعیت تکه پاره شدن طبقه کارگری دلیل تکنولوژی جدید اشاره کرده و گفت که این طبقه نمی‌تواند دیگر یک نیروی سنتی مبارزه برای سیاست سوسیالیستی باشد. مباحثه بر سر اینکه "چه نوع سوسیالیسمی در یک دنیا سرمایه‌داری ممکن است؟" نیز بسیار جالب بود. تباری ماکدوف سئالات اصلی زیر را در معرض توجه قرار داد: چه نوع بازار چه نوع برنامه و برای چه کسانی؟ چه مقدار تکنولوژی پیشرفته و رشد اقتصادی برای کدام بخش جمعیت؟ ماکدوف بر این نظر بود که اگر سوسیالیسم بخواهد در یک دنیا سرمایه‌داری بر پا شود میبایست بازار برای تقسیم کالاها مصرفی و خدمات را بپذیرد. در همان حال حد معینی از برنامه‌ریزی مرکزی که با یک دمکراسی هوشیار و فعال همراهی شود نیز گریز ناپذیر است.

جوسلوو، دبیرکل حزب کمونیست آفریقای جنوبی اشتباهات گروه‌های آفریقای که میخواستند "آوانگارد های لنینیستی" باشند در نهایت حمایت توده‌ها را از دست دادند یاد کرد و گفت آنها با عملیه و بدون اینکه شرایط مادی فراهم شده باشند کشورهای خود را سوسیالیستی اعلام کردند. وی با اشاره به اوضاع آفریقای جنوبی، این هدف حزب کمونیست آفریقای جنوبی را مورد تأکید قرار داد که علیه قانون اساسی ای - سی ازلنو آنها تازید. ماکدوف که در آن سرمایه‌داری بعنوان پرنسب پایه‌ای در آن وارد شود.



### سهای کارگر

راهی از میان کارگران انقلابی ایران در هانوفر

- ★ **برنامه های سراسری صدای کارگر:**
- هر شب ساعت ۸/۵ روی موج کوتاه
- رنیف ۷۵ متر برابری ۲ مگاهرتز پخش میشود.
- این برنامه ساعت ۶/۵ صبح روز بعد تکرار میگردد.
- ★ **جمعه هار برنامه ویژه پخش میشود.**
- ★ **برنامه های صدای کارگریه کردستان:**
- ۶ بهمن از طریق به زبان کردی و فارسی روی موج کوتاه رنیف ۷۵ متر برابری ۲ مگاهرتز پخش میشود. همین برنامه روزهای یکشنبه، سه شنبه و پنجشنبه ساعت ۶ تکرار میگردد.
- ۶ جمعه ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه پخش میشود. این برنامه ساعت ۶ بهمن از طریق جمعه تکرار میشود.

Postfach 650226  
1 BERLIN 65

---

Postfach 1124  
5200 Siegburg 1  
W. Germany